

مشخصات آتنا در هومر

آتنا، دختر دیگر زئوس که مانند آرتیمیس سوگند خورده است پاکدامنی همیشگی داشته باشد. مادر او متیس کسی است که زئوس از او خواست این سوگند را بخورد و سپس دخترش متولد شود. آتنا هم مانند آرتیمیس جنگجوی خشنی بود و از برخورد بازوها لذت می برد. اما در عوض تعظیم کردن یک نیزه حمل می کرد و یک چهارر آینه پوست بز (سپر) می پوشید. او بدون شگفتی علیه قوی هیکلان جنگید و حتی پالاس و اینکادوس را با دستان خودش کشت. ایلیاد می گوید جنگ کردن او در کنار یونانی ها شاید به این علت باشد که پرلیس در جدول بین زیبایی سه الهه افرودیت را انتخاب کرد. همچنین او به هرکول کمک کرد و به او نیرو داد. اودیسه او را به عنوان محافظش گماشت و او با وفاداری در حل مشکلات عدیده اودیسه پادرمیانی کرد. او الهه خشونت نبرد با اینکه خدیا شجاعت پابرجا بود، او با دلالت راهنمایی و تعلیم داده می شود. از وقتی که او ریاست کشتی را به عهده گرفت گفته می شود او ارابه جنگی و کشتی ها را اختراع کرد. او همیشه مصلح بود و در جنگهای مشهور نمایان می شد و او را در مواجهه با پوسیدون آوردند، (خدای دریا). این تحریک جنگی به این علت بود که هر دوی آنها درخواست ولینعمت شدن آتیکا را داشتند. وقتی که الهه ها برای داوری ملاقات شدند، آنها تصمیم گرفتند که کشور به الهه متعلق شده و به او پیشکشی داشته باشند. پوسیدون با ضربت زدن نیزه سه شاخه خود بر زمین چشمه ای نمکی آورد. اگرچه آتنا فقط نهالی از درخت زیتون کاشت ولی بر آن جریان سیاه (چشمه) ارجحیت داده شد و پشتیبانی از آتیکا به آتنا داده شد. در آکروپولیس آتن اسطوره عجیب دیگری در مقام آتان وجود دارد. آرزوی

آتنا این بود که باکره بماند اما نمی توانست از عاشق شدن هفاستوس نسبت به خودش جلوگیری کند یک روز وقتی آتنا، هفاستوس را در کوره آهنگری دید. آتنا را که دید او را تعقیب کرد و اگرچه (هفاستوس) نجیب بود او را در آکروپولیس آتن ملاقات کرد جایی که (هفاستوس) (آتنا) را در آغوش کشید. آتنا سعی کرد از خود دفاع کند اما برخلاف میل هفاستوس، خدا آتنا را پاک نگاه داشت. آتنا با بیزاری، پارچه ای را به خود مالید و آن را روی زمین پرتاب کرد. زمین بارور شد و یک اریکتونئوس به وجود آورد. کسی را که الهه او را با حساسیت غریبی به عنوان پسر خود قبول کرد. آتنا اریکتونئوس را در صندوقچه گرفت و این در حایل بود که الهه های دیگر خبر نداشتند و صندوقچه را به سه دختر پادشاه آتن سکروپس سپرد. اما یکی از سه دختر به نام آگاروس نتوانست حس کنجکاو خود را نگه دارد و صندوقچه را باز کرد کودک کوچک توسط دو مار بزرگ محافظت می شد و آنقدر وحشتناک بودند که آگاروس دچار وحشن شد و باعث شد که خود را از بالای سنگ های آکروپولیس پرتاب کند. سپس آتنا، کودک خود را به پناهگاهی در آتن درآورد.

بعداً، پادشاه سکروپس از قدرت سلطنتی خود استفاده کرد و از وقتی که تسوس فرود آمد، اریکتونئوس از سلسله پادشاهی آتیکا محروم شد.

شرح ویژه دیگری از این افسانه وجود دارد. وقتی که آتنا، هفاستوس را هل داد تا بکارت خود را حفظ کند مایع منی او روی زمین ریخت. ماری بزرگ به نام اریکتونئوس از آن به وجود آمد و رشد کرد. به سه دختر سکروپس، پادشاه اول آتن و مرد نیمه مار جعبه ای داده شد که الهه به آنها گفت درونش را نگاه نکنید. اما حس کنجکاو دو تا از دخترها

آنها را مغلوب ساخت. وقتی در جعبه را باز کردند بچه مار از آنها عصبانی شد. اگرچه آتنا از آنها محافظت شهر را پس نگرفت.

سوء تفاهم اینکه لقب پالاس مکرراً از اسم الهه جلوتر می آید منجر به افسانه دیگری می

شود. لقب، احتمالاً فقط دختر جوان معنی می دهد اما مطابق افسانه، زئوس لقب الهه

جوان را به خدایگان تریتون واگذار کرد، که او را تا حد دختر خودش بالا آورد و پالاس

نام گرفت. دو دختر مشق جنگ می کردند و آتنا به طور تصادفی رخم و خیمی به هم

نشینش زد و برای جبران، پیکره از دوست خود ساخت و آن را پالادیوم نامید و آتنا نام

دختر مرده را انتخاب کرد. این باعث شروع افسانه پالادیوم شد. ادعاهایی هست که می

گوید خود پیکره قدیمی (یک بت چوبی، زانوان نام دارد، که نشان می دهد الهه ثابت و

پابرجاست) شاید به آیین قبل از یونان برگردد مثل خیلی از مشخصات خود آتنا.

آتنا فعالیت های زنان صنعتگر را هدایت می کرد. او حامی نساج ها و گلدوزها بود. آتنا،

آموزش دختری را که به او تعلیم می داد تصدیق نمی کرد اما از او می خواست که مهارت

هایش را تبدیل به توانایی کند.

بانوی جوان، آراچن، حتی فراتر رفت و آتنا را در یک رقابت به مبارزه طلبید و الهه هم

پذیرفت. الهه به صورت یک پیرزن تغییر قیافه داد که بآن مخلوق گستاخ، توصیه کرد، با

حیا باشد. آراچن در پاسخ توهین بیشتری به الهه کرد. آتنا، حقیقت خود را آشکار کرد و

مبارزه شروع شد. آراچن ملیله دوزی را کامل کرد و الهه را تحریک می کرد که کار رقیب

را خراب کند. با کاکوی خود به دختر می زد و به سرعت آراچن را به عنکبوت تبدیل

کرد. خشم آتنا معروف بود و این تنها داستانی نیست که گوشه ای از ذرات او را آشکار می کند.

الهه خرد و رزم، آتنا ذاتاً نقطه مهربانی برای اودیسه دلاور و مکار داشت. او در بسیاری از موقعیت های دشوار به اودیسه کمک می کرد، در کتاب ۵ آمده که در کشتی شکسته او شرکت می کرد و در کتاب ۲۲ آمده که در رزمهای نامتناسبش کمک می کرد. اگرچه او در مسئولیت تاثیرپذیرش تنها احساس و امنیتش را دخیل نمی کرد. آتنا به خاطر استعدادهای قبلی و ثبات فعالانه اودیسه به او علاقه داشت. همچنین او در طول رزم، اودیسه را در مورد خواستگاری مطمئن می ساخت.

او (آتنا) تماماً گرفتار نشد و ترجیح داد به جای یددن اودیسه با او بجنگد و بر او غالب آید. او همچنین اغلب به تلماچوس کمک می کند (او را برای کسب شهرت به پیلوس و اسپارتا می فرستد) اما بیشترین علاقه آتنا، متوجه اودیسه است. آتنا، دلگرم، تمرینی، باهوش، استاد تغییر قیافه و رزمجوی بزرگی است به طور مشخصی او انعکاسی در تلماچوس پیدا می کند. نقش او به عنوان الهه ای از هنرهای زنانه توجه کمی دارد در اودیسه به وجود می آورد. پنه اوپه در کارگاه بافندگی کار می کند در تمام اوقات اما به ندرت آتنا را می بیند و پس از آن معمولاً فقط در خواب و رویا او را می بیند.